

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تدبر در قرآن

سوره مبارکه قلم

استاد ضرابی دی لغایت اسفند ۱۴۰۰

جلسه دوم ۱۴۰۱/۱/۱۱

آیه شریفه: « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - به نام خداوند رحمتگر مهربان - قسمت دوم»

عنوان: گذر از وادی « لا » تا سرمنزل مقصود، تبارک و تعالی!

خداوند برای تقویت پیامبر خود و پیروان او مسأله آخرت را به خاطر آنها می‌آورد که در قیامت همه حقایق روشن خواهد شد؛ بلکه در دنیا هم شکست کافران سبب هویدا شدن حقیقت برای آنها می‌گردد؛ « فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُولُ - و بهزودی تو می‌بینی و آنان نیز می‌بینند» و دیگر آنکه قلب مبارک پیامبر (ص) و پیروانش را به حضور و اشراف خود به گمراهان و هدایت یافتگان، توجه می‌دهد « إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ » که یقیناً یاد حضور و اشراف خداوند و توجه به سرانجام کافران (در دنیا و آخرت) سبب پایداری در دین و ثبات قدم مؤمنین خواهد شد. از این رو از آنها می‌خواهد که با چنین پشتوانه‌هایی تسلیم منکران و کافران نشوند: « فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ - پس از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن. آن‌ها دوست دارند [در مورد انحراف از حق] نرمش نشان دهی تا آن‌ها [هم] نرمش نشان دهند.»

هرگز نبری راه بسر منزل الا
تا مرحله پیما نشوی وادی لا را
اینکه خداوند به جای نام افراد از صفات آنها نام می‌برد بسیار تکان دهنده است؛
زیرا به معنای این است که هر انسانی باید بنگرد چه صفاتی تحصیل کرده است
زیرا با آن صفات در عرصه قیامت ظاهر می‌گردد و حشر و نشر او با معرفت و
صفاتی است که کسب کرده.

فردا که زوال شش جهت خواهد بود قدر تو بقدر معرفت خواهد بود

در حسن صفت کوش که در روز جزا حشر تو بصورت صفت خواهد بود
 حال باید دید که مکذبین از نگاه خداوند تبارک و تعالی، چه کسانی هستند؛ اولاً
 می‌فرماید: «وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ...» - و از هر قسم خورنده فرومایه ای
 فرمان مبر «دیگر کسی که بسیار عیبجو و سخن چین است» هَمَّاز مَشَاءَ بَنَمِیم ...
 «و کسی که بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است؛ «مَنَّاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ
 أَثِيمٌ...» و کسی که گستاخ [و] گذشته از آن زناراده است؛ «عُتْلٌ بَعْدَ ذَلِكَ
 زَنِيمٌ...» و نیز مبادا از کسانی به خاطر مال و فرزندان فراوانش پیروی کنی! «
 أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِيٍّ» همچنین کسانی که هرگاه که آیات خداوند بر آنان خوانده
 شود می‌گویند: این‌ها افسانه‌های پیشینیان است؛ «إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ
 الْأَوَّلِينَ» سرانجام چنین کسانی خواری و ذلت خواهد بود که می‌فرماید: ما
 بهزودی بر بینی او داغ [ننگ] می‌نهیم؛ «سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ» (درباره این
 صفات و دارندگان آن انشاء الله با تفصیل بیش‌تری صحبت خواهد شد.)
 در مقابل منکران که به عذاب ابدی گرفتار می‌شوند. کسانی که به بهشت راه پیدا
 کرده و عاقبت به خیر می‌شوند گروه‌های مختلفی هستند یک طبقه از آنان که با
 عذاب‌های دنیایی تربیت می‌شوند تا ایمان خود را نگه دارند با نام اصحاب الجنة
 ذکر گردیده‌اند

«إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ ...» در ماجرای اصحاب باغ، خداوند
 نمونه‌ای دیگر از حضور و اشراف خود را که در آیات قبل تذکر داده بود نشان
 می‌دهد (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ) نکته هشدار
 دهنده‌ای که در این آیات همه مسلمانان و اهل ایمان را مخاطب قرار می‌دهد این
 است که گمان نکنند به صرف بجا آوردن ظاهر برخی عبادات از ابتلا به صفات
 هلاک کننده و باورهای غلط در امان خواهند بود؛ در حالی که به استناد آیه ۱۰۶
 سوره یوسف «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» - و اکثر خلق به خدا
 ایمان نمی‌آورند مگر آنکه مشرک باشند (و جز خدا امور دیگر را نیز مؤثر در
 انتظام عالم دانند). «شامل مسلمانان بلکه اهل ایمان هم می‌شود.

ترك دنیا و شهوت است و هوس پارسایی، نه ترك جامه و بس

مانند هشدار خداوند در سوره مبارکه ماعون که نخست خداوند محور سخن را
 تکذیب کنندگان قرار می‌دهد «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ» ولی بعد از شمارش
 صفات آنها، روی سخن را متوجه نمازگزاران می‌کند و می‌فرماید «قَوْلٌ

لِلْمُصَلِّينَ» تا مسلمان و اهل ایمان فکر نکنند چون به حسب ظاهر برخی عبادات را بجا می‌آورند، دیگر در معرض خطر کفر و نفاق نخواهند بود. از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله) هشدار می‌دهد که از گناهان دوری کنید که گناه نیکی‌ها را از بین می‌برد «اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمَحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ»، آدمی مرتکب گناهی می‌گردد و در اثر آن علومی که فرا گرفته بوده فراموش می‌کند، آدم گناهی می‌کند و در اثر آن از خواندن نماز در شب محروم می‌گردد، و گناه موجب می‌شود که انسان از روزی محروم گردد، درحالی‌که زندگی برایش گوارا بوده است - إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَمْنَعُ بِهِ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْرِمُ بِهِ الرِّزْقَ وَ قَدْ كَانَ هَنِيئًا لَهُ ... و بعد این آیه را تلاوت کرد: "إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ." (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۷۷)

به از پرهیزگاری زیوری نیست چو اشک دردمندان، گوهری نیست
سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل می‌کند: به او گفته شد: «گروهی از این امت مدعی هستند که بنده‌ای که گناهی مرتکب می‌شود، از رزق و روزی محروم می‌شود، آیا این‌گونه است؟» ابن عباس (رحمة الله علیه) گفت: ... پیرمردی دارای باغ‌هایی بود ... هنگامی‌که آن پیرمرد از دنیا رفت، پسرانش وارث او شدند. آن‌ها بعد از نماز عصر به باغ‌های خویش رفتند و به آن همه محصول نگاه کردند که در روزگار پدرشان نظیر آن سابقه نداشت. بنابراین هنگامی‌که آن همه محصول را دیدند طغیان و سرکشی کردند و به همدیگر گفتند: پدر ما، پیر مرد سالخورده‌ای بود که عقل خویش را از دست داده بود. پس بیایید پیمان ببندیم که امسال، چیزی از محصول خویش را به هیچ‌کدام از مسلمانان فقیر ندهیم تا اینکه پولدار شویم و مال ما زیاد شود ... پس برادرشان به آن‌ها گفت: تقوای خدا پیشه کنید، و به همان راه و روش پدرتان عمل کنید، سلامت خواهید یافت و به سود خواهید رسید، و این همان کسی است که خداوند عزوجل می‌فرماید: «قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ... ولی آنان به وی حمله کردند و به شدت به وی آسیب رساندند و وقتی برادرشان فهمید که قصد جان وی را دارند، از روی اجبار شریک آن‌ها در آن کار شد. به خانه‌ی خویش رفتند و سوگند یاد کردند که صبحگاهان میوه آن را برچینند بدون آنکه به خواست و اراده خداوند توجه داشته باشند. بنابراین خداوند سزای آن گناهانشان را به آن‌ها داد و آن محصول را که در

شُرُف برداشت کردن آن بودند، از دست ایشان ربود و داستان آنان را در قرآن ذکر کرد: إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...».

حدیث درست آخر از مصطفاست که بخشایش و خیر دفع بلاست

عنوان: من کجا و صبر در هجران کجا!

« كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ - این گونه است عذاب [خداوند در دنیا]، و عذاب آخرت از آن بزرگتر است اگر می دانستند. »: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: « الْعَاقِلُ يَحْسِبُ نَفْسَهُ قَدْ مَاتَ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الرَّجْعَةَ لِيَتُوبَ - انسان عاقل چنین می پندارد که گویا مرده است و از خدا درخواست می کند او را به دنیا بازگرداند تا توبه کند و گناه را رها کرده و کار شایسته انجام دهد. و خدای متعال نیز با درخواستش موافقت کرده [و او را به دنیا بازگردانده] است. پس [تا در این دنیا است، در انجام عمل صالح و ترک گناه] جدّیت و کوشش بیشتری می کند. » (ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۴۶)

« وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ » [منظور از الْعَذَابِ الْأَدْنَى رنج و اندوه در [از دست دادن] مال، اهل و عیال، فرزند و جان است که پیش از عذاب اکبر است و [مراد از] عذاب اکبر، عذاب جهنّم می باشد. ابن بابویه در حدیثی مرسل از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که: ایشان در معنی سخن خداوند: وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ فرمود: این عذاب نزدیک، همان فراق یاران در دنیا است تا به وسیله ی آن، متوجّه فراق مولایشان (خدا) بشوند؛ به همین دلیل، افسوس خوردن یعقوب (علیه السلام) [بر فراق] یوسف (علیه السلام) از ترس فراق خدا بود و به همین خاطر یوسف (علیه السلام) را یاد می کرد. » (علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۰)

من کجا و صبر در هجران کجا	یا بکش یا هر زمان رویم نما
بی جمال جانفزای روی یار	نیست عاشق را نه صبر و نه قرار

مرتبه بالاتر از این طبقه که با عقاب دنیایی ایمانشان حفظ می شود متّقین هستند؛ « إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ » از آنجا که انسان بخاطر هوای نفسش با حيله های گوناگون خود را از رنج پرهیزکاری و تقوا معاف می کند، خداوند برای باطل کردن آنها طی آیات متعددی به بیان حقایقی در قالب سؤال می پردازد « أ

فَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ... » سرانجام ضرورت داشتن تقوا را یکی از قوانین جهان آخرت مطرح می‌کند که اگر انسان در دنیا ملکه تقوا را تحصیل نکرده باشد اگر چه در دنیا دارای اعتقادات صحیح بوده؛ به آنچه اراده می‌کند نخواهد رسید؛ « يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ - (روزی را که هول و وحشت به نهایت می‌رسد و دعوت به سجود می‌شوند، اما نمی‌توانند [سجده کنند].) این درحالی است که چشم‌هایشان [از شدت شرمساری] به زیر افتاده، و ذلت خواری وجودشان را فرا می‌گیرد؛ آن‌ها پیش از این دعوت به سجود می‌شدند درحالی‌که سالم بودند. [ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند]. - خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذُلًّا وَ قَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَالِمُونَ »

اما سخت‌ترین عذاب از آن تکذیب کنندگان است که می‌فرماید: « فَذَرْنِي وَ مَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ ... » در نهایت خداوند از پیامبر و پیروانش می‌خواهد در راه اجرای فرامین حق صبور باشند که بی‌صبری در پیمودن راه حق اساس همه شقاوت‌ها است و حتی پیامبران بخاطر کم‌صبری، به تناسب مرتبه‌ای از صبر که از آنها انتظار می‌رفته، در این راه صدمه‌ها دیده‌اند؛ نمونه‌ای از آن جریان صاحب ماهی است که در اواخر سوره به آن پرداخته شده است. « فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ ... » در پایان محتوای اولین آیه (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) تذکر داده شده که حقیقت انسان کامل، قرآن و ذکر است.

خداوندا، کریم، کارساز	الها، پادشاه، بی‌نیاز
گبر و ترسا وظیفه خور داری	ای کریمی که از خزانه غیب
تو که با دشمنان نظر داری	دوستان را کجا کنی محروم

وصلی الله علی محمد و آل محمد